**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه291 – 20/ 11/ 1398 مفاد هیئت ترکیبی لا ضرر و لا ضرار** **/ مفاد حدیث لا ضرر / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره مفاد هیئت ترکیبی لا ضرر و لا ضرار بود. استاد دام ظله در این جلسه پس از نقل کلام آقای سیستانی، لا ضرر و لا ضرار را به معنای حرمت اضرار دانسته و تفاوت بین این دو را تنها از ناحیه لحاظ می داند به این صورت که لا ضرر به معنای حرمت ضرر دیدن بوده که لازمه آن حرمت اضرار است و لا ضرار به معنای حرمت اضرار می باشد.

## استعمالات لای وارد بر طبیعت

نتیجه بیان در جلسات گذشته این بود: دو گونه استعمال برای لای وارد بر طبیعت وجود دارد که هر یک، در مواردی به کار رفته است.

1. جایی که طبیعت حکمی داشته و هدف نفی حکم از برخی از حصص طبیعت است مانند: «لا شک لکثیر الشک» که احکام شک از کثیر الشک نفی شده است. در این موارد، مدخول لا حصه ای از طبیعت است.
2. در مقام نفی مشروعیت و جواز یک طبیعت، طبیعت مدخول لا قرار می گیرد. شیء مشروع در نظام قانونی و تشریعی، نوعی وجود دارد که نفی وجود آن در نظام قانونی، به معنای نفی مشروعیت خواهد بود. مفاد مشروعیت در موارد مختلف متفاوت است. نفی مشروعیت فعل به معنای نفی جواز تکلیفی آن بوده و نفی مشروعیت امر اعتباری به معنای نفی صحت آن است. نفی مشروعیت عبادت به معنای حرمت تشریعی آن عبادت است.

به نظر ما استعمال لا به غیر از این دو گونه استعمال، اثبات پذیر نیست.

باید دقت داشت: در برخی از مواردی که حصه ای از طبیعت نیز مدخول لا قرار گرفته، مشروعیت نفی شده است. مانند: «لا طلاق الا لمن اراد الطلاق» را که می توان به دو نحو معنا کرد:

اول آنکه، طلاق امری اعتباری بوده و طلاق بدون اراده جدی، مشروعیت ندارد که نتیجه آن نفی صحت طلاق است.

دو آنکه، طلاق آثار و احکامی دارد که این احکام در مورد کسی که مرید طلاق نیست، مترتب نمی شود.

بر خلاف مواردی مانند «لا شک لکثیر الشک» که تنها نفی احکام شک برای کثیر الشک بوده و نمی تواند به معنای نفی مشروعیت شک برای کثیر الشک باشد. با این تعبیر، احکامی مانند صلاه احتیاط و سجده سهو از کثیر الشک نفی شده است.

## مفاد «لا ضرر» بر فرض معنا کردن ضرر به اضرار

با فرض این که ضرر به معنای اضرار باشد، «لا ضرر»، به معنای عدم مشروعیت ضرر و اثبات حرمت تکلیفی آن است زیرا اضرار، فعلی از افعال بوده و نفی مشروعیت آن در نظام شریعت به معنای نفی جواز آن و در نتیجه اثبات حرمت تکلیفی خواهد بود. اطلاق ضرر بر معامله نیز حقیقی نیست زیرا معامله موجب اضرار بوده و وسیله اضرار است و اطلاق ضرر بر وسیله اضرار، حقیقی نخواهد بود. بنابراین از «لا اضرار» تنها حرمت تکلیفی اضرار استفاده می شود. حال کیفیت توجیه این معنا با امر به قلع نخل در داستان سمره، باید در جایگاه خویش مورد بررسی قرار گیرد.

آقای سیستانی مطابق مبانی مختلف اشکالاتی را طرح کرده که بسیاری از این اشکالات مطابق مبنای ایشان وارد است. ایشان ضرر را به معنای منقصت نازل به متضرّر معنا کرده و روشن نیست سایر بزرگان، ضرر را به این معنا بدانند. مطابق مبنای مختار نیز ضرر به معنای ضرر دیدن است نه ضرر زدن البته بیان ما بر این مبنا با بیان آقای سیستانی متفاوت است.

## تفاوت مصدر و اسم مصدر

در برخی از کلمات لغویین، ضرر اسم مصدر برای ضرر تلقی شده است. معروف این است که اسم مصدر همان معنای مصدر را داشته و تنها اسناد به فاعل در آن وجود ندارد. اما این تفسیر در کلام بزرگان علم نحو وجود ندارد.

برخی تفاوت بین مصدر و اسم مصدر را تنها به تفاوت لفظی دانسته اند مثل آنکه: مصدری که با میم آغاز شود، اسم مصدر است. یا در صورت کم شدن حروف مصدر، اسم مصدر خواهد بود مثل اعطاء و عطاء یا مصدری که اصل آن اسم شیء بوده و بعد به عنوان مصدر به کار رفته، اسم مصدر است. یا اسم مصدر، از غیر فعل خود گرفته می شود مانند غُسل و اغتسال.

برخی در مقام تفسیر معنوی، اسم مصدر را شبیه علم جنس دانسته اند. در باب اعلام اجناس بیان شده: مدلول علم صورت ذهنیه است مانند اسامه که علم جنس برای اسد است، اسامه برای مفهوم اسد وضع شده و اسد برای واقعیت خارجی اعتبار شده است. به عبارتی دیگر، اسد اگر به اعتبار صورت ذهنی متعیّن در ذهن ملاحظه شود، مدلول اسامه است و اگر به اعتبار محکی خارجی لحاظ شود، اسم جنس خواهد بود. شبیه به این تفاوت بین مصدر و اسم مصدر بیان شده است به این صورت که مصدر دالّ بر حدث بوده و اسم مصدر دالّ بر لفظ مصدر است.

در برخی از کتب لغت بیان شده: «ضرّ یضرّ ضرّا و الاسم الضرر» و کسی پس از تضررّ بیان نکرده که ضرر اسم مصدر است. باید در کلام آنان دقت کرد تا روشن شود: ملاحظه اسم مصدر بودن ضرر به چه لحاظ است؟

باید دانست: کلام لغویین در صورتی که کاشف از نحوه استعمالات باشد، اعتبار دارد ولی در صورتی که تحلیل باشد اعتباری ندارد. این میزان کلام که معنای مصدر و اسم مصدر واحد است، از سنخ اول بوده و قابل اعتماد است.

خلاصه آنکه، به دلیل ابهام موجود در مراد از تعبیر ضرر به اسم مصدر در کلام لغویین، وارد بحث از وجه تعبیر ضرر به اسم مصدر نمی شویم. عمده بحث در معنا کردن ضرر، استعمالات موجود برای ضرر است.

## گونه های استعمال ضرر

در استعمالات، ضرر در دو معنا به کار رفته و این دو گونه استعمال، فراوانی زیادی دارد:

1. ضرر زدن به دیگری یا نزدیک به آن مانند: «ضرر هذا الشخص اشد من ضرر الترک و الدیلم» و «من لم یدر الامر الذی هو مقیم له انفع له ام ضرر؟» و «ضرر الباذنجان» و مثال های دیگری از این قبیل که در بحث از معنای ضرر بیان شد.
2. ضرر دیدن و منقصت و نقصانی که بر متضرّر وارد می شود.

این دو معنا در کلام اهل لغت نیز مشاهد شده است. برخی «ضرّ» را به معنای ضرر دانسته اند که نتیجه آن معنا کردن ضرر، به اضرار است. برخی «ضرر» را به «النقصان یدخل فی الشیء» ترجمه کرده اند که نتیجه آن معنا کردن ضرر به تضرّر می باشد. البته مشترک لفظی یا معنوی بودن ضرر و هم چنین اسم مصدر بودن یا مصدر بودن ضرر در این دو معنا در بحث حاضر تأثیری ندارد.

البته در جلسات گذشته بیان شد: لازمه اسم مصدر بودن ضرر، معنا کردن آن به منقصت حاصل در متضرّر نیست. زیرا ضرر در صورت مصدر بودن به معنای «آسیب رساندن» یا «آسیب دیدن» بوده و در صورت اسم مصدر بودن به معنای «آسیب رسانی» و «آسیب بینی» می باشد. حتی در صورت اسم مصدر بودن، ضرر از فاعل یا مفعول منسلخ نشده و قوام «آسیب رسانی» به فاعل بوده و قوام «آسیب بینی» به مفعول است.

### انصراف ضرر به تضرّر

حال با توجه به این که ضرر در ضرر زدن و ضرر دیدن به نحو مشترک لفظی یا معنوی استعمال می شود، در صورت استعمال در کنار ضرار، به ضرر دیدن منصرف می شود. مانند «آسیب» در فارسی که در آسیب زدن و آسیب دیدن به کار می رود. حال اگر گفته شود: «نه آسیب وجود دارد و نه آسیب زدن» آسیب، به آسیب دیدن منصرف می شود. تأکید بودن ضرار برای ضرر، به خصوص در مواردی که با واو و لا تکرار شده، خلاف ظاهر است.

باید دانست: معنا کردن ضرر به آسیب که در آن فاعل یا مفعول لحاظ نشده بوده و قابل صدق بر هر دو باشد، جامع گیری از دو معنای تضرّر و اضرار است. حتی مطابق این بیان نیز، ضرر به معنای عام بوده و با فرض استعمال آن در کنار ضرار، به فردی از ضرر که در آن مفعول لحاظ شده، منصرف خواهد بود.

در نتیجه در «لا ضرر و لا ضرار» به معنای نفی تضرّر و نفی اضرار است و اصل مطلب آقای سیستانی در معنای لا ضرر و لا ضرار، قابل قبول است.

## کلام آقای سیستانی: تفاوت مفاد «لا ضرر» و «لا ضرار»

آقای سیستانی وارد بحث مفصّلی شده که به اجمال آن اشاره می شود.

ایشان با پذیرش استعمال لا در نفی حکم به لسان نفی موضوع و نفی سبب به لسان نفی مسبّب، درباره مفاد «لا ضرر و لا ضرار» می فرماید:

بین «لا ضرر» و «لا ضرار» تفاوت وجود دارد. ایشان کلام شیخ انصاری در معنای «لا ضرر» را پذیرفته و آن را به معنای نفی تسبیب به ضرر می داند. مطابق این معنا، تسبیب شارع به ضرر نفی شده و شارع حکمی که موجب ضرر شود را جعل نکرده است. ایشان «لا ضرار» را به معنای التسبیب الی نفی الاضرار می داند به این معنا که شارع می خواهد اضرار از بین برود. از بین رفتن اضرار با نهی تکلیفی و حمایت قانونی تحقق پیدا می کند. تحقق حمایت قانونی به تعیین مجازات بر ضارّ و جبران خسارت به نفع متضرّر و مانند آن می باشد. مثل آنکه حمایت قانونی در قضیه سمره، قلع نخل سمره می باشد.[[1]](#footnote-1)

ایشان در توضیح تفاوت بین «لا ضرر» و «لا ضرار» می فرماید:

طبع تضرّر، امر مرغوب نزد عقلا بوده و کسی حاضر به تحمّل آن نیست. مگر تسبیب شرعی در آن وجود داشته و شارع امر به گرفتن وضویی بکند که موجب ضرر می شود. به همین دلیل، تحقق تضرّر متوقف بر وجود تسبیب شرعی بوده و نفی تضرّر، به معنای نفی تسبیب شرعی برای تضرّر خواهد بود.

برخلاف اضرار که مطابق قوای شهوی و غضبی انسان است و شارع می خواهد جلوی مقتضی اضرار را گرفته و مانع تحقق خارجی اضرار شود. پس شارع برای عدم تحقّق اضرار، آن را حرام کرده و از متضرّر حمایت قانونی می کند. در نتیجه، «لا ضرر» جنبه سلبی داشته و «لا اضرار» جنبه اثباتی دارد.

### بررسی کلام آقای سیستانی

کلام آقای سیستانی در دو مرحله بررسی می شود. مطابق مبنای مختار در استعمال لای نفی جنس و مطابق مبنای مشهور.

#### مرحله اول: مطابق معنای مختار در استعمال لای نفس جنس

نظر مختار در استعمال لای نفی جنس این بود که لای وارد بر طبیعت به معنای نفی مشروعیت آن طبیعت در شریعت است. برای تطبیق معنای مختار به جای لا، اجازه دادن را قرار می دهیم. مطابق نظر مختار، معنای «لا ضرر و لا ضرار» به این صورت است که شارع می گوید: من اجازه متضرّر شدن مؤمن را نمی دهم و اجازه ضرر زدن مؤمن به دیگری را نمی دهم. معنای «اجازه متضرّر شدن مؤمن را نمی دهم» این است که اجازه نمی دهم دیگری به او ضرر وارد کند.

برای توضیح مطلب دو مقدمه نیاز است.

##### مقدمه اول: عدم ظهور نهی در مسوول بودن مخاطب

گاه در جملاتی که در مقام انشاء به کار می رود، مسوولیت شیء بر عهده مسند الیه نیست. مانند: «لا یدخل الصبی المسجد» که تکلیف به عدم دخول صبی در مسجد، متوجه به صبی نبوده و می تواند اشاره به این باشد که اولیای صبیان حق ندارند بچه ها را به مسجد بیاورند یا اولیای مسجد حق ندارد اجازه ورود بچه ها را به مسجد بدهند. اما از «لا یدخل الصبی المسجد» نمی توان برداشت کرد چه کسی مسوولیت تحقق این حکم را دارد. حال اگر گفته شود: «لا یدخل الصبی و الجنب المسجد» روشن است مسوولیت عدم دخول مسجد نسبت به جنب عاقل، بر عهده خود جنب است اما نسبت به صبی و جنب غیر عاقل، روشن نیست مسوولیت بر عهده کیست و این تعبیر از بیان مسوول ساکت است.

حتی اگر مخاطبی برای کلام تعیین شود، الزامی وجود ندارد که همان مخاطب مسوول شیء باشد. مثلا اگر گفته شود: «ای بچه تو نباید زیان ببینی» مسوول زیان ندیدن بچه نفس او نبوده اما مسوولی برای زیان ندیدن بچه تعیین نشده است. پس در این نوع تعبیرها، مسوول اجرای حکم تعیین نشده و از آن فهمیده نمی شود مسوول کیست.

##### مقدمه دوم: انصراف مسوولیت به ضارّ به علت مقدمه بودن «لا ضرر» برای «لا ضرار»

مطابق این مقدمه، هر چند «لا ضرر» به این معناست که مؤمن نباید متضرّر شود اما از آن برداشت نمی شود که خود متضرّر مسوول نفی تضرّر از خویش است. حتی اگر تضرّر متعلق نهی قرار گرفته و گفته شود: «لا یتضرّر مؤمن» مسوولیت ترک نهی دیگران بوده و مسوول آن نفس متضرّر نیست. در نتیجه، «لا ضرر» به این معناست که ایها الضارّ حق نداری به این شخص ضرر وارد کنی.

با این توضیح روشن می شود: «لا ضرر» مقدمه برای «لا ضرار» است و هر دو معنای واحدی را البته به دو لحاظ مختلف بیان می کند. به این بیان که همانگونه که شارع اجازه نمی دهد به تو ضرر وارد شود، اجازه نمی دهد که به دیگری ضرر وارد کنی. به عبارتی دیگر، «لا ضرر و لا ضرار» مصداقی از مصادیق این بیان کلی است: «هر چه برای خود نمی پسندی برای دیگران نپسند» و شارع حرمت اضرار را با تلطیف بیان کرده و می گوید: همانگونه که نباید مؤمن به توسط دیگران ضرر ببیند، نباید مؤمن به دیگران ضرر بزند.

تطبیق «لا ضرر و لا ضرار» در قضیه سمره نیز به لحاظ «لا ضرار» بوده و پیامبر ص بیان کرده: «انک رجل مضارّ». پیامبر ص نیز به سمره بیان می کند: «ای سمره متضرّر شدن تو مبغوض من است و ضرر زدن سمره به غیر نیز مبغوض من است.»

1. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 134 [↑](#footnote-ref-1)